

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال دهم، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۹۶
صفحات: ۱۷۰-۱۴۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۳۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۷/۲۵

عملکرد جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد و آینده آن

دکتر علی قاسمیان*

چکیده

نوشتار حاضر با بهره گیری از رویکرد توصیفی و تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای تلاش دارد عملکرد جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد و آینده آن را نقد و بررسی نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد جنبش عدم تعهد در نظام جدید بین‌المللی در حقیقت به‌عنوان یک نیروی سوم در مقابل دیگر قطب‌ها، اتحادیه‌ها، معادلات و ترتیبات اقتصادی-سیاسی جهانی به ایفای نقش می‌پردازد و در تلاش است که رفتار قدرت‌های بزرگ را در ارتباط با موضوعات جهانی تعدیل کند. در فضای بعد از جنگ سرد، این سازمان کنش‌گری قابل توجهی داشته و با توجه به این که در حال حاضر دو سوم دولت‌های دارای حاکمیت جهانی یعنی حدود بیش از صد کشور جهان در این اتحادیه عضویت دارند، بسیاری از کارشناسان مطرح بین‌المللی، بر این اعتقادند که جنبش عدم تعهد نقشی موثر در تعدیل رفتار قدرت‌های بزرگ، تحقق اهداف توسعه‌ای و سیاسی کشورهای جهان سوم و یا جهان در حال توسعه و تامین‌کننده منافع جمعی کشورهای جنوب است.

کلید واژه‌ها

جنبش عدم تعهد، نظام بین‌الملل، سازمان ملل متحد، استراتژی، امپریالیسم.

* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

ali.ghasemian@gmail.com

۱. بیان مسأله

جنبش عدم تعهد محصول فضای جنگ سرد می‌باشد، با توجه به مسائل گذشته به نظر می‌رسد در دوران بعد از جنگ سرد مشکلات غیر متعهدها رو به افزایش می‌باشد. علیرغم اینکه امروز نیاز به چنین نهاد فرا منطقه‌ای بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود و در واقع به همین دلیل است که غیر متعهدها همچنان مایل‌اند که این مجموعه حفظ شود. جنبش عدم تعهد امروزه می‌تواند در نظام تک قطبی موازنه ایجاد کند و به نوعی یک جهان چند قطبی را محقق سازد. در چنین شرایطی حتی می‌تواند تاثیرگذارتر از قبل عمل کند. جنبش عدم تعهد همچنین امروزه توانسته تنش زدایی را جایگزین جنگ سرد کند. گروه غیرمتعهدها در سازمان ملل متحد، به ویژه در مجمع عمومی نیز به عنوان اهرم فشار در این نهاد بین المللی بشمار می‌روند.

سیاست استعمارزدایی جنبش باعث شد که بسیاری از ملت‌های در بند استعمار آسیایی و آفریقایی به استقلال برسند و در سال ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه پایان استعمار را به تصویب برساند. برخی از کشورهای عضو، دیگر کشورهای عقب مانده دیروز نیستند و آهنگ سریع رشد را تجربه کرده‌اند. با این وجود کشورهای غیر متعهد بسیاری هنوز در فقر به سر می‌برند و مشکلات اقتصادی شاید مهمترین نگرانی مردم جهان باشد. تشکیل نظام نوین مالی و اقتصادی بین المللی می‌تواند گوشه‌هایی از مشکلات غیر متعهدها را برطرف کند.

در واقع این جنبش امروزه به بزرگترین سازمان سیاسی در نظام بین المللی پس از سازمان ملل تبدیل شده است. بیش از دو سوم اعضای سازمان ملل را تشکیل داده‌اند. این جنبش به دلیل تنوع جالب توجه فرهنگی، زبانی، اقتصادی و سیاسی در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد. در این چارچوب سوالات اصلی اینگونه مطرح می‌شود که: آیا جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد تغییراتی در نظام بین الملل ایجاد نموده است؟ آیا همگرایی و وحدت بین اعضا می‌تواند در شرایط کنونی نظام بین المللی مؤثر باشد؟ آیا جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای جنبش عدم تعهد می‌تواند در آینده جنبش و همچنین نظام جدید بین الملل مؤثر باشد؟ هدف مقاله پاسخ به این سوال می‌باشد که جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد، نقش موثری در تحولات بین الملل ایفا نموده است و همچنین مشارکت فراگیر و همه جانبه ایران فرصتی است

عملکرد جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد و آینده آن

که اعضای جنبش بتوانند با بهره گیری از تجارب سیاسی ایران از وحدت و همگرایی منسجم تری برخوردار گردند.

۲. ادبیات و چارچوب نظری

با توجه به تجربه‌ی تلخ جنگ جهانی دوم و عبرت نگرفتن از غرب و شرق از این جنگ، ادامه‌ی رقابت بین آن‌ها به اندازه‌ی کافی دنیا را نگران کرده بود و بنابراین نظام بین‌الملل، بیش از آنکه به بازیگران تشدید کننده تنش نیازمند باشد به بازیگران تعدیل کننده آن تضاد نیازمند بود و البته سازمان‌هایی که بعدها تشکیل شد، پاسخ منطقی به نیاز این دوران بود. یکی از این سازمان‌هایی که بر مبنای این ضرورت مهم شکل گرفت، جنبش عدم تعهد است.

استراتژی عدم تعهد که برخاسته از جنبشی به همین نام است، به لحاظ تاریخی مربوط به دوران جنگ سرد و به معنای وابسته نبودن به بلوک غرب و شرق است. در این گونه از استراتژی گروهی از کشورها به صورت کاملاً ابتکاری و بدون تضمین قدرت‌های بزرگ، به دنبال اتخاذ سیاست‌های مستقل و عدم پیوستن به هیچ یک از اتحادیه‌های نظامی و سیاسی مربوط به دو قطب بودند. به طور کلی مهم ترین ویژگی‌های این استراتژی را می‌توان اتخاذ سیاست مستقل، حمایت از جنبش‌های آزادی بخش و رهایی بخش، عدم اتحاد دو جانبه با قدرت‌های بزرگ، عدم اجازه به قدرت‌های خارجی در ایجاد پایگاه‌های نظامی در خاک دولت‌های غیر متعهد و غیره نام برد. به لحاظ تاریخی مؤسسان و بنیان این استراتژی سیاسی افرادی چون نهرو از هندوستان، جمال عبدالناصر از مصر و سوکارنو از اندونزی بوده اند (قوام، ۱۳۸۶: ۳۲۳).

اصطلاح «عدم تعهد» اولین بار توسط جواهر لعل نهرو، وزیر هند، طی نطقی در ۲۸ آوریل ۱۹۵۴ در کلمبو بیان گردید و پس از آن با تلاش رهبران آسیا-آفریقایی و بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد شکل گرفت. اما در حقیقت همه اعضا جنبش عدم تعهد، غیرمتعهد نبودند و اغلب درک متفاوتی نسبت به جنبش داشتند و یافتن یک ایدئولوژی مشترک که بتواند ابزاری برای ارائه اتحاد ظاهری برای اعضای اصلی جنبش باشد که درصد یافتن نقش اصلی آن بودند، کار آسانی نبود. اغلب اعضاء این مجموعه تمایل چندانی به اصول فلسفی نشان نمی‌دادند و تنها در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی خاص فعالیت داشتند. از این رو، اتحاد آن‌ها یک اتحاد مشترک نبود، بلکه یک هویت مشترک و جدید به حساب می‌آمد (Chopra, 1986:161-177).

احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت یکدیگر، برابری و منافع متقابل، عدم تجاوز به یکدیگر، همزیستی مسالمت آمیز و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر اصول بنیادین این جنبش را تشکیل می دهند. از زمان تاسیس تا به امروز جنبش اهدافی را دنبال نموده است که به شرح زیر است:

- تقویت و تحکیم چندجانبه‌گرایی و ارتقای نقش کلیدی سازمان ملل؛
- ایفای نقش به عنوان یک مجمع هماهنگ‌کننده سیاسی و کشورهای در حال توسعه برای تقویت و دفاع از منافع مشترک آنان در سیستم روابط بین‌الملل؛
- تقویت اتحاد، انسجام و هماهنگی بین کشورهای در حال توسعه بر مبنای ارزش‌های مشترک و اولویت‌هایی که به صورت اجماع مورد توافق قرار گرفته است؛
- دفاع از صلح و امنیت بین‌المللی و حل تمامی مناقشات بین‌المللی به وسیله ابزار صلح‌آمیز در تطابق با اصول و اهداف منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل؛
- تشویق روابط دوستانه و همکاری بین همه ملت‌ها بر مبنای اصول حقوق بین‌الملل، به‌ویژه آن مواردی که الهام گرفته شده از منشور ملل متحد است؛
- ارتقا و تشویق توسعه پایدار از طریق همکاری بین‌المللی و برای این منظور، هماهنگی مشترک در اجرای استراتژی‌های سیاسی که تقویت و تضمین‌کننده مشارکت کامل همه کشورها، فقیر و غنی، در روابط اقتصادی بین‌المللی، تحت شرایط و فرصت‌های برابر ولی با مسؤولیت‌های مختلف باشد (Morphet, 2004: 517-537)؛
- تشویق، احترام، برخورداری و حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بر مبنای اصول جهانشمولی، عینیت، بی‌طرفی و غیرگزینشی، پرهیز از سیاسی‌کردن مسائل حقوق بشر و تضمین اینکه حقوق بشر افراد و مردم از جمله حق توسعه در یک حالت برابر حفظ و تقویت شود؛
- ارتقای همزیستی مسالمت‌آمیز بین ملت‌ها، صرف‌نظر از سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛
- محکومیت همه اشکال یکجانبه‌گرایی و تلاش‌ها برای اعمال سلطه در روابط بین‌الملل؛
- هماهنگی اقدامات و استراتژی‌ها به منظور مواجهه مشترک با تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌الملل از جمله تهدیدات برای استفاده از زور و اعمال تجاوزگرایانه، استعماری و اشغال خارجی و دیگر نقض‌های صلح توسط هر کشور یا گروهی از کشورها؛

عملکرد جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد و آینده آن

- ارتقای تقویت و دموکراتیزه کردن سازمان ملل متحد با توجه به اعطای نقش به مجمع عمومی در تطابق با وظایف و قدرت مشخص شده در منشور و ارتقای اصلاح جامع شورای امنیت سازمان ملل متحد به نحوی که نقش واگذار شده از طرف منشور را در شرایط شفاف و منصفانه، به عنوان نهادی که مسؤولیت اولیه برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را داراست، اجرا کند؛
- استمرار در پیگیری خلع سلاح هسته‌ای جهانی و غیرتبعیض‌آمیز و همچنین یک خلع سلاح عمومی و کامل تحت کنترل مؤثر و سخت بین‌المللی و در این ارتباط کار برای رسیدن به یک توافقنامه در مورد برنامه مرحله‌بندی شده برای نابودی کامل سلاح‌های هسته‌ای در یک چارچوب مشخص زمانی برای محو سلاح‌های هسته‌ای و ممنوع کردن توسعه، تولید، اکتساب، آزمایش، ذخیره، انتقال، استفاده از یا تهدید به استفاده آن‌ها و آماده شدن برای انهدام آن‌ها؛
- مخالفت و محکومیت دسته‌بندی کشورها به عنوان خوب یا شرور بر مبنای غیرعادلانه و ناموجه و اتخاذ دکترین حمله پیشگیرانه، شامل حمله به وسیله سلاح‌های هسته‌ای که مغایر با حقوق بین‌الملل، به ویژه ابزار لازم‌الاجرای حقوقی بین‌المللی مرتبط با خلع سلاح هسته‌ای باشد و محکومیت و مخالفت بیشتر با اقدامات نظامی یکجانبه یا استفاده از زور و تهدید به استفاده از زور علیه حاکمیت، یکپارچگی سرزمینی و استقلال کشورهای عدم‌تعهد؛
- تشویق کشورها به الحاق آزادانه به توافقات بین کشورها برای ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای طبق مقررات سند نهایی نخستین نشست ویژه عمومی که به خلع سلاح اختصاص یافته بود و اصول تصویب شده توسط کمیسیون خلع سلاح سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ شامل ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه. ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای یک گام مثبت و اقدام مهم در راستای تقویت خلع سلاح و عدم‌اشاعه هسته‌ای است؛
- ارتقای همکاری بین‌المللی در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تسهیل دسترسی به فناوری، تجهیزات و مواد هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز که برای کشورهای در حال توسعه، لازم است؛

- تقویت ابتکارات واقعی برای همکاری جنوب- جنوب و ارتقای نقش جنبش عدم تعهد در همکاری با گروه ۷۷ در آغاز مجدد همکاری شمال- جنوب برای تضمین اجرای حق توسعه ملت‌ها، از طریق افزایش همبستگی بین‌المللی (حاجی مینه و امینی، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۱۰۸)؛
- واکنش به چالش‌ها و استفاده از فرصت‌های ناشی از جهانی‌شدن و وابستگی متقابل با قوه ابتکار و حس هویت به‌منظور تضمین فواید آن برای همه کشورها، به‌ویژه آنهایی که متاثر از توسعه‌نیافتگی و فقر هستند، با یک نگاه تدریجی برای کاهش شکاف عمیق بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه (Leo Mats, 1986:19)؛
- افزایش نقشی که جامعه مدنی از جمله سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور ارتقای اهداف و اصول و مقاصد جنبش ایفا کنند (موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۴۹).

۳. تاریخچه تاسیس جنبش عدم تعهد

تجربه جنگ جهانی اول و دوم نشان داد که جهانی شدن جنگ‌ها بر اثر دسته و تقسیم دول به دو گروه متخاصم «دول متفق» و «دول محور» بوده است و اگر چنین دسته‌بندی صورت نمی‌گرفت، هیچ‌گاه دو جنگ مزبور از مرزهای دو سه کشور متخاصم تجاوز ننموده و گسترش پیدا نمی‌کرد. رهبران چند کشور که خارج از دو بلوک بودند، سعی کردند زمامداران کشورهای رار ۱ که در جنگ احتمالی آینده در معرض خطر قرار می‌گرفتند و یا لاقلاً در ظهور چنین جنگی نفعی نداشتند گرد هم آورند و بین آن‌ها همبستگی ایجاد نمایند. این گردهمایی و همبستگی به صورت گروه کشورهای غیرمتعهد ظاهر گردید (Prashad, 2007:95). هدف این گروه در مرحله اول، کناره‌گیری از دو بلوک رقیب یعنی شرق و غرب بود و برای رسیدن به این هدف نیز می‌بایست اعضاء گروه سیاست مستقل در پیش گرفته و در هیچ‌یک از اتحادیه‌های نظامی وارد نشوند و حتی از قبول تعهدات نظامی و دادن پایگاه نیز به بلوک‌های رقیب خودداری نمایند (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۲: ۴۴).

در سال ۱۹۵۶ ملاقات بین تیتو، نهرو و ناصر در جزیره «بری‌یونی» انجام شد که حاصل این ملاقات بیانیه‌ای بود که در ضمن آن اعلام شد که امضاءکنندگان تصمیم گرفته‌اند یک سیاست اشتراک را برای غلبه بر شرایط خطرناک که به واسطه‌ی قدرت‌های بزرگ گریبان‌گیر جهان شده است، دنبال کنند. ملاقات چندجانبه دیگر عدم‌تعهد در خلال پانزدهمین اجلاس

مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک در سال ۱۹۶۰ بین بنیانگذاران که عبارتند از: تیتو، ناصر، نهرو، نکرومه و سوکارنو اتفاق افتاد. بنیانگذاران غیرمتعهد، پیرو شکست اجلاس ابرقدرتها در پاریس و متعاقباً اوج گرفتن سیکل تازه‌ای از تشدید جنگ سرد، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تهیه کرده و ضمن آن درخواست خود را جهت ایفای نقش و مشارکت در کاهش تنش در روابط بین‌الملل مطرح کردند. در اجلاس بلگراد که اولین کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد در سال ۱۹۶۱ برگزار شد، بیانیه شرکت‌کنندگان با محوریت صلح جهانی با توجه به خطرات هسته‌ای که تهدیدی جدی به شمار می‌آمد و آنها توسعه عدم‌تعهد را تنها راه جلوگیری از تقسیم کامل جهان به بلوک‌ها و تشدید سیاست‌های جنگ سرد می‌دانستند (جکسون، ۱۳۶۴: ۱۷).

به‌طور کلی در کنفرانس بلگراد دو نظریه در مورد مسأله عدم‌تعهد وجود داشت:

۱. عدم‌تعهد توأم با مبارزه: کشورهای اندونزی، مالی، غنا و گینه از طرفداران این نظریه و احمد سوکارنو از پیروان این گروه بودند. این گروه برای مبارزه خود به چهار اصل اعتقاد داشت. (آزادی، استقلال، عدالت و صلح). مسأله اصلی این گروه بیشتر حول محور جدال با استعمارگر و استعمار بود، نه اختلاف بین شوروی و آمریکا.
۲. عدم‌تعهد توأم با سازش: کشورهای هند، افغانستان، برمه، کامبوج، سیلان، ائیوپی، مراکش، نپال، یمن، سودان، یوگسلاوی طرفداران این نظریه بودند. نهرو سخنگوی این جناح به شمار می‌رفت. مسأله اصلی برای این گروه رسیدگی به اختلاف شرق و غرب بود و نه جنگ شمال و جنوب (عبدالرشیدی، ۱۳۶۵: ۴۵).

دومین کنفرانس جنبش عدم‌تعهد از پنجم تا دهم اکتبر ۱۹۶۴ در قاهره تشکیل شد. نکات عمده این کنفرانس عبارت بودند از: ۱. همزیستی مسالمت‌آمیز؛ ۲. خودداری از تولید سلاح‌های هسته‌ای؛ ۳. برجیده شدن پایگاه‌های خارجی از داخل کشورهای جنبش عدم‌تعهد؛ ۴. استفاده این کشور از حق دفاع مشروع، همکاری کشورهای پیشرفته با کشورهای در حال پیشرفت. سومین کنفرانس در سپتامبر ۱۹۷۰ در شهر لوزکا پایتخت زامبیا برگزار شد. با توجه به اینکه چند قطعنامه مورد تصویب قرار گرفت، اعضای جنبش بر تخلیه سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل تأکید نمودند.

چهارمین کنفرانس غیرمتعهدها در سال ۱۹۷۳ در الجزایر برگزار شد. نمایندگان بیش از نیمی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد که بخش عمده‌ای از جمعیت جهان را تشکیل

می‌دادند، در این کنفرانس شرکت داشتند. شرکت‌کنندگان در این کنفرانس به مسائل زیادی از جمله، خواستار ختم استثمار اقتصادی و از میان رفتن فاصله میان کشورهای فقیر و غنی گردید (ملکوته و رائو، ۱۳۶۸: ۳۲۹-۳۲۸).

پنجمین کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در سال ۱۹۶۷ در کولومبو تشکیل شد. در این کنفرانس کشورهای غیرمتعهد علیرغم همه مسائل که به نوعی اشاره کردند و مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. همچنین خواستار لغو حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل و در نتیجه تجدیدنظر در منشور این سازمان گردیدند (Willets, 1981: 1-11).

ششمین کنفرانس در سال ۱۹۷۹ در هاوانا برگزار شد. این اجلاس از چند جهت شاخص و حساس بود و از آن به عنوان یک نقطه‌ی عطف در فعالیت‌های غیرمتعهدها یاد میشود، زیرا ایجاد بحران در بین قدرت‌ها، وضعیت بین‌المللی جدیدی را ترسیم می‌کرد و به موجب استقرار نسل جدیدی از موشک‌های هسته‌ای در اروپا، دخالت نظامی در کامبوج و افغانستان، «سیاست عدم انعطاف» از سوی ریگان در مقابل شوروی و تشدید مقابله‌های بلوکی در جهان سوم شده بود (Graham, 1980: 153-160).

چندگانگی میان جنبش عدم تعهد: عده‌ای کوبا را متهم کردند که در ریاست کنفرانس، بی‌طرفی را مراعات نکرده است. چون رادیکال‌ها و کشور میزبان تلاش می‌کردند (تر متد طبیعی) که شوروی را متحد طبیعی جنبش عدم تعهد قلمداد نمایند را بر جنبش تحمیل کنند و هدفشان تنها، مبارزه بر علیه امپریالیسم (غرب) بود (Larrabee, 1976: 467-475). پذیرش این ایده به معنای مفهوم تازه‌ای برای جنبش عدم تعهد بود. یعنی قرار دادن جنبش در موضع خدمت به منافع سیاست خارجی شوروی در مقابل گروه چپ یا رادیکال. عده‌ای از اعضاء که دارای روابط نزدیکی با آمریکا بودند، تز دوری و حفظ فاصله برابر از هر دو قطب را مطرح کردند که به معنای پذیرش یک نقش انفعالی و قرار دادن جنبش در زمره‌ی یک نظاره‌گر «بی‌طرف» تحولات بین‌المللی بود مانند سنگاپور و ژنیر که البته به غرب تمایل داشتند. عده‌ای که اکثریت را دربرداشتند با هر دو طرف مخالف بودند و از رعایت محکم اصول اصلی و پذیرفته شده جنبش، حمایت می‌کردند (Krishnan, 2001: 62).

اجلاس هفتم سران جنبش عدم تعهد در روزهای هفتم الی دوازدهم مارس ۱۹۸۳ در دهلی‌نو برگزار شد. در کمیته سیاسی این کنفرانس، جنگ ایران و عراق در محور اصلی مباحث قرار گرفت. اما از آنجا که در خصوص چگونگی و علل بروز جنگ و نحوه برقراری صلح و متن

اعلامیه‌ها توافقی حاصل نشد، «این‌درا گاندی» نخست‌وزیر هند و رئیس کنفرانس طی سخنانی نگرانی عمیق اعضاء جنبش و جامعه جهانی و خسارات مالی متوجه دو ملت ایران و عراق، اظهار داشت با توجه به اینکه ایران و عراق هر دو عضو جنبش عدم‌تعهد هستند، یکی از اصول عدم‌تعهد این است که تمام اختلافات میان کشورهای عضو باید از طریق صلح‌آمیز حل شود. در واقع خانم ایندرا گاندی به عنوان رئیس کنفرانس غیرمتعهدها عراق را محکوم نکرد و فقط به نوعی به طور محافظه‌کارانه از دو طرف خواست که جنگ را به پایان برسانند و اختلافات خود را به‌طور مسالمت‌آمیز حل کنند. وزیر امور خارجه ایران آقای ولایتی گفت: «پنج سال پس از تجاوز رژیم بعث عراق به قلمرو جمهوری اسلامی ایران، نهضت عدم‌تعهد هنوز نتوانسته است موضع صحیح و عادلانه‌ای در قبال این تجاوز اتخاذ نماید. برای مردم ایران عجیب نبود که سازمان ملل با نفوذی که کشورهای قدرتمند در آن دارند، دست به موضع‌گیری یک‌طرفه و کاملاً غیرمنطقی و غیرعادلانه بزند، ولی در مورد نهضت عدم‌تعهد انتظارات به نحو دیگری بود» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸: ۶۱۲).

اجلاس هشتم سران جنبش عدم‌تعهد در حراره پایتخت زیمبابوه از اول تا ششم سپتامبر ۱۹۸۶ برگزار شد. در این اجلاس آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت ایران حضور داشتند که در نطقی صریح به بررسی مواضع ایران در قبال مسائل جاری جهان و نیز جنگ پرداخت و تأکید نمود از جنبش توقع نیست که مانند یک پیمان نظامی وارد معرکه شود، ولی انتظار است که شجاعانه و صادقانه از حق و مظلوم و قربانی تجاوز و سلطه‌طلبی دفاع کند. صلح به طور کلی و به ویژه برای منطقه حساس ما یک انتخاب نیست بلکه یک ضرورت حیاتی است. سران کشورهای عدم‌تعهد یک بار دیگر خود را متعهد کردند که برای خاتمه سریع این درگیری وحشتناک کوشش کنند. به نظر نگارنده این کنفرانس هم شبیه کنفرانس هفتم که در دهلی‌نو برگزار شد در سطح حرف بود و کشورهای جنبش عدم‌تعهد نتوانستند این جسارت را به خود بدهند و رژیم بعث عراق را به عنوان متجاوز و شروع‌کننده جنگ تحمیلی محکوم کنند. جنبش غیرمتعهد فعالیت گروه غیرمتشکلی از دولت‌های غیرمتجانس می‌باشد که فاقد سازمان و ارگان لازم می‌باشد و محور همبستگی این جنبش مجموعه‌ای از اصول و شعارهایی می‌باشد که در اجتماعات خود آن‌ها را مرتباً تکرار و تبلیغ می‌کنند. اصول و شعارهای آن جنبه سمبولیک دارد و در موارد متعدد دیده شده که اصول اعلام شده از طرف عضوی نقض گردیده و سایر اعضای گروه واکنش مثبت نشان نمی‌دهند مثل تجاوز عراق به ایران، وضعیت افغانستان، اشغال

فلسطین توسط اسرائیل، مسائل و درگیری‌ها در بین کشورهای جنبش عدم‌تعهد فراوان است. گروه غیرمتعهد فاقد قدرت تصمیم‌گیری است و خواسته‌های خود را از ابتدای شکل‌گیری تاکنون به صورت اعلامیه و یا قطعنامه اتخاذ نموده است.

۴. جنبش عدم‌تعهد بعد از جنگ سرد

نهمین اجلاس در یوگسلاوی بود که در سال ۱۹۸۹ در بلگراد برگزار شد. برگزاری این اجلاس مصادف شد با تحولات عمده در نظام دوقطبی و از میان رفتن جنگ سرد، علیرغم اینکه عده‌ای با استناد به اینکه قطب‌بندهای دوران جنگ سرد از میان رفته و جنبش فلسفه وجودی خود را از دست داده، پیشنهاد تغییرنام یا ادغام آن با گروه ۷۷ را مطرح می‌کردند. عده‌ای دیگر از اعضاء که جمع‌کثیری بودند، ضمن تأیید ایجاد تغییرات در صحنه بین‌المللی معتقد بودند جنبش هنوز برای تحقق اهداف خود راه‌درازی در پیش دارد. از طرفی با توجه به اینکه در این مقطع زمانی، یوگسلاوی به عنوان رئیس اجلاس نهم بود، تلاش می‌کرد که هم تحول و نگرش در جنبش عدم‌تعهد ایجاد نماید و هم اسناد سیاسی اجلاس را محدود کند، اما مباحث مربوط به استعمارزدایی و برقراری نظم نوین اطلاعات و ارتباطات بین‌المللی و صلح و حقوق بین‌الملل، با تلاش کشورهای چپ از جمله کوبا مجدداً به آن اضافه شد. در طول برگزاری اجلاس نهم از سوی طرفداران دو ایده‌ی فوق‌بحث‌های زیادی صورت گرفت، اما در نهایت کشورهای عضو تصمیم گرفتند ضمن پای‌بندی به اصول جنبش، به فعالیت‌های دسته‌جمعی خود ادامه داده و در گسترش همکاری با کشورهای توسعه‌یافته تلاش نمایند (Leo Mats, 1986:19).

دهمین اجلاس در اندونزی ۲۸ اوت ۱۹۹۲ در جاکارتا برگزار شد. با این حال دیدگاه‌های مطرح شده این اجلاس را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ گروه اول: تأکید بر حرکت جنبش در راستای مذاکره و همکاری با توجه به تحولات جدید، منجمله خواهان گفتگوی شمال-جنوب بودند و مسائل اقتصادی را بر مسائل سیاسی مقدم می‌دانستند. گروه دوم: تأکید بر اصول و اهداف جنبش و تقدم مسائل سیاسی بر مسائل اقتصادی بودند و در ضمن خواهان فورم و تغییر ساختار و حرکت در چارچوب سازمان ملل بودند (NAM, 1992, NAC, 10/Doc.1/Rev.2). اجلاس یازدهم غیرمتعهدها از ۱۸ تا ۲۰ اکتبر ۱۹۹۵ در کلمبیا برگزار شد. در طول اجلاس مسائل متعددی مورد بررسی قرار گرفت از جمله مسائلی که مورد بحث

عملکرد جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد و آینده آن

قرار گرفت تجدید ساختار نظام بین‌المللی، ضرورت برخورد مناسب جنبش با تحولات بین‌المللی، همکاری اقتصادی و تروریسم. دوازدهمین کنفرانس غیرمتعهد ۲۹ اوت تا ۳ سپتامبر ۱۹۹۸ در دوربان آفریقای جنوبی برگزار شد. سران جنبش خواستار تقویت و نقش سازمان ملل در توسعه اقتصادی کشورها و همچنین حمایت خود را از بخش‌ها، برنامه‌ها، بودجه‌ها و آژانس‌های تخصصی که هدف‌شان توسعه‌ی کشورهای در حال توسعه است، اعلام نمودند (NAM, 1998, Basic Documents).

سیزدهمین اجلاس در مالزی در شهر کوالالامپور از ۲۰-۲۵ فوریه ۲۰۰۳ برگزار شد. ماهاتیر محمد نخست‌وزیر مالزی در مراسم افتتاحیه اجلاس گفت: «وضعیت امروز جهان از دوران جنگ سرد نیز نگران‌کننده‌تر است» و در مورد حملات ۱۱ سپتامبر گفت: «پس از این واقعه قدرت‌های بزرگ با خشم به کشورهای مسلمان می‌نگرند و آن‌ها را عامل تروریسم می‌دانند. در این اجلاس، سران تأکید نمودند و دو پیشنهاد مطرح شد: گفتگوی جنوب- جنوب و گفتگوی شمال- جنوب. در چشم‌انداز جدید، فعالیت جنبش باید دو مؤلفه‌ی زیر را در نظر گرفت:

۱. پرهیز از کلی‌گویی و تکرار مکررات و توجه به نتایج عملی تصمیم‌ها و تلاش برای رسیدن به راهکارهای عملی و پیدا کردن ضمانت اجرایی برای مصوبات.

۲. تقویت ارتباط و همکاری متقابل میان اعضای جنبش عدم‌تعهد و سازمان‌های مهم جهانی (NAM, 2003, Final Document (Annex I) A/57/759).

چهاردهمین اجلاس، از ۲۰ تا ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۶ درهاوانا برگزار شد. رئیس‌جمهور ایران، احمدی‌نژاد نقش سازمان ملل متحد را در مورد جنگ ۳۳ روزه اسرائیل و لبنان به یک تماشایی تشبیه کرد که در این مدت به تماشای بمباران لبنان نشست و از اعلام آتش‌بس و اقدام فوری برای جلوگیری از کشته و آواره شدن ملت لبنان خودداری کرد (NAM, 2006, Final Document, NAM 2006/Doc.1/Rev).

همچنین پانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم‌تعهد در شرم‌الشیخ مصر ۲۰ تا ۲۵ تیرماه ۱۳۸۸ برگزار شد. مباحث عمومی اجلاس سران حول دو عنوان ذیل ادامه یافت:

۱. همبستگی بین‌المللی برای صلح و توسعه؛

۲. جنبش باید با واقعیت جاری بین‌المللی در یک مسیر مبتکرانه و مؤثر برخورد نماید.

اجلاس خواستار یک نظم جدید سیاسی- اقتصادی و تجاری- بین‌المللی شد. نظمی که متوازن تر و عادلانه‌تر باشد و بدون تبعیض و برخورد‌های دوگانه، منافع همه را تأمین نماید. نگرانی‌ها و اولویت‌های کشورهای در حال توسعه را مورد توجه قرار دهد و دموکراسی را مبنایی برای کار میان کشورهای فقیر و غنی قرار دهد، همچنین نمایندگی متوازن جهان در حال توسعه را در آژانس‌های سازمان‌های بین‌المللی، مؤسسات مالی، مکانیزم‌های تصمیم‌گیری در مورد اقتصاد جهانی و در گروه‌های عمده بین‌المللی از قبیل گروه ۸ و گروه ۲۰ داشته باشد (NAM, 2009, Final Document, NAM 2009/FD/Doc.1).

سران کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد در شانزدهمین نشست خود در نهم و دهم شهریور ۱۳۹۱ در تهران برگزار شد و بر موارد ذیل تأکید نمودند:

۱. شکل‌گیری نظامی منصفانه، جامع، شفاف و مؤثر برای مدیریت مشترک جهانی بر مبنای عدالت و انصاف و مشارکت هم‌کشورها جهت مواجهه با چالش‌ها و مخاطرات کنونی که از تعهدات امنیتی خطرات زیست- محیطی، تغییر آب و هوا، مهاجرت، بیماری‌های واگیردار، اقدامات اقتصادی بین‌المللی و غیره ناشی می‌شود، ضروری است.

۲. مصونیت فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای باید محترم شمرده شود و هر گونه حمله و یا تهدید به حمله، علیه تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای فعال یا در حال ساخت به منزله خطری جدی علیه انسان‌ها و محیط زیست بوده و نقض جدی حقوق بین‌المللی، اصول و اهداف منشور ملل متحد و مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شمار می‌آید (NAM, 2012, Final Document, NAM 2012/Doc.1/Rev.2).

اجلاس‌های برگزار شده (۲۰۱۵-۱۹۶۱)

مهمترین بحث‌ها	تعداد اعضای شرکت کننده	سال	میزبان	اجلاس
تشکیلات وارکان	۲۵	۱۹۶۱	یوگسلاوی	۱
بررسی بحران‌های جهانی و چگونگی یافتن راهی جهت تأمین و استقرار صلح	۴۷	۱۹۶۴	مصر	۲
تاکید بر ضرورت استقلال کلیه ملل به خصوص مستعمرات پرتغال در جنوب آفریقا	۵۳	۱۹۷۰	زامبیا	۳
تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی، رودزیا، کامبوج، کره؛ حقوق دریاها و مواد مخدر؛ انتقال تکنولوژی و سیستم	۷۵	۱۹۷۳	الجزایر	۴

عملکرد جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد و آینده آن

بین‌المللی مالی و پولی				
در این اجلاس بر سر تصاحب کرسی‌های دفتر هماهنگی جنبش عدم تعهد که تعداد آن از ۱۷ عضو به ۲۵ عضو افزایش یافته بود رقابت شدید درگرفت	۸۶	۱۹۷۶	سريلانكا	۵
تایید عضویت جمهوری اسلامی ایران در جنبش؛ پیشنهاد اخراج مصر از جنبش به‌خاطر امضای قرارداد صلح کمپ‌دیوید با اسرائیل؛ استقبال از قطع روابط ایران با اسرائیل و رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی، همچنین خروج ایران از پیمان سنتو	۹۴	۱۹۷۹	كوبا	۶
تشریح نقش عدم تعهد در دستیابی به صلح و امنیت، خلع‌سلاح و همزیستی مسالمت‌آمیز؛ اوضاع جنوب آفریقا، فلسطین، لبنان، خاورمیانه، کامبوج، افغانستان، کره و جنگ ایران و عراق	۹۹	۱۹۸۳	هند	۷
خلع سلاح و امنیت جهانی؛ استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای؛ مساله فلسطین، لبنان، وضعیت خاورمیانه، جنگ ایران و عراق، قبرس، تجاوز آمریکا علیه لیبی، جنوب آفریقا، حقوق ملت‌ها جهت حفظ فرهنگ و آثار ملی خود؛ بدهی‌های خارجی و علوم و تکنولوژی	۱۰۱	۱۹۸۶	زيمبابوه	۸
برگزاری اجلاس مصادف شد با تحولات عمده در نظام دوقطبی و از میان رفتن جنگ سرد	۱۰۹	۱۹۸۹	يوگسلاوى	۹
تغییر نظام حاکم بر روابط بین‌الملل و چگونگی برخورد جنبش با آن؛ مسائل مربوط به آسیای جنوب شرقی، افغانستان، درگیری اعراب و اسرائیل، لبنان، بوسنی، آفریقای جنوبی؛ قاچاق مواد مخدر؛ تروریسم؛ استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای؛ همکاری بین‌المللی اقتصادی برای توسعه و محیط زیست	۱۰۸	۱۹۹۲	اندونزى	۱۰
در طول اجلاس مسائل متعددی مورد بررسی قرار گرفت که اهم آنها عبارتند از: تجدید ساختار سازمان ملل؛ خاتمه دوران جنگ سرد و مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجود در جهان سوم؛ خلع سلاح و امنیت بین‌المللی، همکاری بین‌المللی برای توسعه؛ ضرورت برخورد مناسب جنبش با تحولات بین‌المللی؛ همکاری‌های اقتصادی و تروریسم	۱۰۹	۱۹۹۵	كلمبیا	۱۱
نقش جنبش عدم تعهد؛ گفتگوی تمدن‌ها؛ تجدید ساختار سازمان ملل؛ وضعیت مالی سازمان ملل؛ تروریسم؛	۱۱۴	۱۹۹۸	آفریقای جنوبی	۱۲

بدهی‌های خارجی؛ محیط زیست و توسعه، علوم و تکنولوژی، همکاری‌های جنوب - جنوب، کشورهای کمتر توسعه‌یافته، نژادپرستی، تبعیض نژادی و موادمخدر				
این اجلاس نخستین اجلاس سران عدم تعهد پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر در نیویورک بود و لذا تروریسم به یکی از مباحث عمده اجلاس سیزدهم تبدیل شد	۱۰۵	۲۰۰۲	مالزی	۱۳
صدور بیانیه جداگانه در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مهمترین موضوعات مطروحه در این اجلاس بود	۱۱۸	۲۰۰۶	کوبا	۱۴
حمایت از ملت فلسطین در تشکیل دولت مستقل؛ خلع سلاح هسته‌ای کامل و فراگیر؛ حمایت از غنی‌سازی اورانیوم در ایران؛ اصلاح سازمان ملل از طریق گسترش شورای امنیت؛ ضرورت مشارکت در اصلاح سیستم مالی جهانی	۱۰۷	۲۰۰۹	مصر	۱۵
موضوع فلسطین، دارا بودن حق انترژی صلح‌آمیز هسته‌ای و صلح پایدار جهانی	۱۰۰	۲۰۱۲	ایران	۱۶
اوضاع سوریه، فلسطین، لیبی و یمن؛ راه‌های مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری؛ مسائل اقتصادی و توسعه محور مانند تغییر شرایط آب و هوایی؛ برنامه‌های توسعه در مرحله پس از سال ۲۰۱۵ و امنیت غذایی	۱۰۳	۲۰۱۵	ونزوئلا	۱۷

در پایان، در جواب به سؤال اول مقاله به نظر می‌رسد با توجه به تحول ساختاری که در فضای روابط بین‌الملل بعد از فروپاشی شوروی سابق پدید آمد، کشورهای جنبش غیرتعهد می‌توانند نقش اساسی در شکل گرفتن نظام نوین بین‌المللی ایفا نمایند. همچنین با رواج گفتمانی نوین و ایجاد نهادهای جدید، زمینه‌ساز یک مدل سیاست‌ورزی در روابط بین‌الملل باشند چرا که جنبش عدم‌تعهد با توجه به تغییراتی که در نظام بین‌الملل ایجاد شده باید از کلی‌گویی و تکرار مکررات بپرهیزند و توجه به اصول کلی جنبش عدم‌تعهد را مدنظر قرار دهند. در این زمینه به برخی از موانع دستیابی به همگرایی جنبش عدم‌تعهد پرداخته می‌شود:

۴-۱. ضعف سیاسی: جنبش عدم‌تعهد در طول شش دهه خود ناکامی‌های عمده‌ای را در پرونده خود دارد. یکی از پررنگ‌ترین و بزرگ‌ترین این ناکامی‌ها ناتوانی سازمان در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در میان اعضاء و بروز جنگ‌های خونین میان اعضای سازمان می‌باشد.

به عنوان مثال جنگ ۸ سال ایران و عراق و منازعات مستمر میان اعضای کشورهای آفریقایی، کشورهای خاورمیانه از مصادیق این ناکامی‌ها محسوب می‌شود (خانی، ۱۳۸۵: ۱۷۵). در مجموع می‌توان گفت که اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ از عوامل عمده در ناکامی اعضای جنبش غیرمتعهد می‌باشد. علت این امر را شاید بتوان به ضعف ساختار داخلی و منزلت خارجی هر یک از بازیگران نسبت داد؛ به لحاظ خطری که استقلال این کشورها را تهدید می‌کرد، این بازیگران سعی نمودند نوعی همگرایی فوق ملی ایجاد کنند. غافل از اینکه حتی ملی‌گرایی ضدامپریالیستی این کشورها ایدئولوژی صرفاً محدودی بود که در حد نخبه‌های متجدد مطرح بود. در جوامعی که قوم‌گرایی و ایدئولوژی سنتی پیشینی اجازه شکل‌گیری ملی‌گرایی را نمی‌داد، طبیعی بود که بعضی از اعضای مهم این سازمان همانند مصر و یوگسلاوی بعدها شکل‌گیری شدید بین‌المللی به نفع یکی از دو ابرقدرت از خود نشان دادند. علت این امر شاید به آن دلیل بود که اعضای این جنبش در بلندمدت دریافته بودند همکاری آنان با یکدیگر نمی‌تواند قدرت بازدارندی قابل توجهی در مقابل این قدرت‌ها ایجاد کند (سیف‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۷۸).

حملات نظامی یا مداخله برخی کشورها در کشورهای دیگر، وجود پایگاه‌های نظامی یا اعطای تسهیلات نظامی، گسترش اتحادیه‌های نظامی، حضور درازمدت نیروهای خارجی در سرزمین دیگر و مسائلی از این قبیل که در حقیقت اساس اندیشه‌ی عدم‌تعهد بر مبنای دوری از آن‌ها شکل گرفته بود. عدم‌انسجام و واگرایی در درون و بین اعضای جنبش که نه تنها اعضای این جنبش دارای انسجام مطلوب نیست، بلکه موارد بسیار تلخی از رقابت، دشمنی، تخاصم و زیر پا نهادن اصول این جنبش از سوی کشورهای عضو و وابستگی آن‌ها به دولت‌های غربی و آمریکا که می‌توان به مواردی از آن‌ها اشاره کرد: ۱. حمله عراق به ایران؛ ۲. حمله عراق به کویت؛ ۳. رأی مثبت هند، مصر و برزیل بر ضد فعالیت هسته‌ای ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ ۴. همکاری و هماهنگی برخی کشورهای جنبش با آمریکا بر علیه عراق؛ ۵. عدم‌همکاری برخی از کشورهای عربی (مصر) در مسأله‌ی محاصره غزه و همکاری آن‌ها با اسرائیل؛ ۶. مسأله لشکرکشی ناتو به سرکردگی آمریکا به افغانستان و همکاری قطر، عربستان سعودی با آمریکا و غرب جهت نابودی سوریه با توجه به اینکه سوریه از کشورهای عضو جنبش و همچنین عضو کنفرانس اسلامی و عضو اتحادیه عرب می‌باشد و ده‌ها موارد دیگر که نشان از برخورد سیاسی و عدم‌کارایی این جنبش می‌باشد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۵: ۷۱).

۲-۴. مشکلات اقتصادی: مسائل اقتصادی همیشه بخش مهمی از مباحث عدم‌تعهد را به خود اختصاص داده بود. با این حال در تحقق کامل طرح‌های تصویبی عدم‌تعهد، موفقیت شایانی کسب نگردید. برخی از کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد، وابستگی بالایی به صادرات سوخت دارند. کشورهای نظیر الجزایر، امارات متحده عربی، ایران، برونئی، ترکمنستان، عراق، عربستان، عمان، قطر، کویت، لیبی، ونزوئلا و یمن به صادرات نفت به عنوان منبع درآمدی ارزی، وابستگی زیادی دارند. از ۴۰ کشور تولیدکننده و صادرکننده‌های فرآورده‌های نفتی، ۲۷ کشور عضو جنبش هستند. گرچه تمام اعضای اوپک عضو جنبش هستند اما برخی از اعضای جنبش که دارای نفت هستند، عضو اوپک نیستند. با همکاری تمام اعضای جنبش که دارای نفت هستند، می‌توان از آن به عنوان اهرمی قوی برای چانه‌زنی در برابر سایر اعضا استفاده کرد. نا برابری فزاینده اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته، پیامدهای خطرناکی را به دنبال داشته است. لازم است که از این پیامدها جلوگیری شود و حرکت به سوی برابری ادامه یابد. این امر نه تنها به نفع کشورهای در حال توسعه، بلکه برای رفاه همه کشورهای جهان و صلح و امنیت بین‌المللی است. سرمایه‌های آزاد شده در نتیجه صرفه‌جویی در زمینه تولید خلع سلاح باید صرف پیشرفت کشورها، بخصوص کشورهای در حال توسعه شود (Prashad, 2012:61-64).

امپریالیسم نه تنها با پیشنهادات جهان سوم مخالف است، بلکه روش خصمانه‌ای نیز در قبل آنها در پیش گرفته و به طرز سازمان یافته‌ای می‌کوشد ساخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها را متزلزل کند تا استعمار اقتصادی، وابستگی و امپریالیسم جدید را حفظ نماید و همچنین عامل افزایش فقر و حتی جنگ در نقاط وسیعی از جهان می‌شود (Prashad, 2012:67-68).

مسائل اقتصادی همیشه بخش مهمی از مباحث عدم‌تعهد را به خود اختصاص داده است. با این حال در تحقق کامل طرح‌های تصویبی عدم‌تعهد، موفقیت شایانی کسب نگردید، زیرا عملی شدن بسیاری از این طرح‌ها، مستلزم کمک و مساعدت کشورهای توسعه یافته و عزم و اراده‌ی آنان در حل مشکلات اقتصادی بود و از آن جا که کمک‌های اقتصادی قدرت‌ها اغلب مشوق‌هایی برای پیشبرد امور سیاسی بوده است لذا حل بی‌چون و چرا یا بدون چشم‌داشت مسائل اقتصادی از جانب آنان چندان با انتظارات خوش‌بینانه‌ی عدم‌تعهد سازگار نبوده است. با این حال به نظر می‌رسد که توفیق عدم‌تعهد در زمینه‌های مسائل اقتصادی بیش از سایر مسائل بوده است، زیرا مسائل اقتصادی یکی از محورهای مهم همگرایی عدم‌تعهد بوده و اعضاء به دلیل

عملکرد جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد و آینده آن

ضعف در ساختارهای اقتصادی و بحران فقر شرایط مشابهی دارند و همین وضعیت مشابه چنان آنها را به هم نزدیک کرده بود که در مسائل اقتصادی کمترین اختلاف نظر را داشتند و به واسطه همین دیدگاه‌های مشترک بود که توانستند افکار عمومی جهان را به نفع خواست‌های خود آگاه و سپس بسیج نمایند (Shenon, 1992: 5).

یکی دیگر از مشکلات اقتصادی این کشورها تک‌محصولی بودن آنهاست. این تک‌محصولی نیز معمولاً از مواد اولیه و خام است (مثل نفت) که غالباً به دلیل نوسانات قیمت در بازارهای جهانی مانع ایجاد ثبات اقتصادی لازم در این کشورها شده است. از جمله مشکلات ساختاری اقتصادی، نداشتن هدف مناسب در برنامه‌ریزی‌ها، عدم آینده‌نگری و دید درازمدت، فقدان سیستم اقتصادی منسجم و هماهنگ بومی، کمبود تخصص‌های لازم و عدم بکارگیری تخصص‌ها در جای مناسب و شایسته خود است (سریع‌القلم، ۱۳۶۹: ۳۳-۳۰).

۴-۳. نقض اصول عدم تعهد توسط اعضا با انعقاد پیمان‌های نظامی و قرار دادن پایگاه‌های داخلی به قدرت‌های خارجی: همانطور که گفته شد، شرط اول عضویت این است که اعضا یک سیاست مستقلی را بر مبنای همزیستی مسالمت آمیز بین کشورهای دارای نظام سیاسی و اجتماعی مختلف اتخاذ کنند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که اعضای جنبش عدم تعهد نه تنها عضو اتحادیه‌های نظامی چند ملیتی بوده‌اند، بلکه با فروش تسلیحات بسیار گسترده و گسیل هزاران مشاور و ایجاد پایگاه نظامی در این کشورها عملاً شروط عدم تعهد را نقض کرده‌اند. بعنوان مثال: پایگاه (العدید، قطر) از سال ۱۹۹۶ میزبان نظامیان آمریکایی است و پس از واقعه یازده سپتامبر، با انتقال بخش عمده‌ای از تجهیزات نظامی و امنیتی آمریکا در پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در عربستان به این پایگاه، العدید بهترین شرایط را برای پنتاگون در خلیج فارس برای کنترل این منطقه فراهم کرده است و این گمانه‌زنی وجود دارد که به احتمال زیاد، آمریکا در آینده از ظرفیت‌های این پایگاه بیشتر استفاده می‌نماید (Aludeid. 2010). حضور رادارهای پرنده ی آمریکایی موسوم با آواکس، حضور مستشاران نظامی آمریکا در عربستان، حضور مشاورین نظامی فرانسه در عراق، پایگاه‌های نظامی انگلیس در عمان و بحرین، حضور نظامی شوروی در کوبا و اتیوپی و... نمونه‌هایی از این نقض شروط عدم تعهد طی سالیان گذشته می‌باشد.

شرط دوم جنبش عدم تعهد، نفی پیمان‌های دفاعی منطقه ای در متن مناقشات بین المللی بود. مثلا اتحادیه نظامی بین عربستان، کویت و عراق در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ نوعی اتحاد نظامی وسیع علیه ایران بود.

سومین شرط عضویت در جنبش عدم تعهد ممنوعیت وجود پایگاه‌های نظامی قدرت‌های خارجی در خاک کشور داوطلب بود. اما شواهد نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها میزبان پایگاه‌هایی بوده‌اند. وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در مصر و عمان که بر علیه ایران در قضیه صحرای طبس برای آزاد سازی گروگان‌ها به کار گرفته شدند، نمونه ای از آنها است.

۴-۴. سایر موانع برای همگرایی جنبش عدم تعهد

۱. بسیاری از اعضای جنبش، از نظر سیاسی دچار اختلاف و شکاف هستند، چون نمی‌توانند در مسائل سیاسی به وحدت برسند.

۲. بسیاری از این کشورها برای توسعه‌ی تکنولوژی و اقتصاد، نیازمند مساعدت کشورهای توسعه یافته هستند و در این امر از یکدیگر سبقت می‌گیرند و این به معنای تضاد منافع ملی بر منافع بین المللی جنبش است که خود به خود مانع همگرایی می‌شود.

۳. درگیری و جنگ‌های داخلی و مناقشات با همسایگان باعث می‌شود که بخشی از درآمد خود را صرف خرید تسلیحات کنند و این خود باعث تشدید مشکلات اجتماعی و اقتصادی در این کشورها می‌شود (محلای، ۱۳۶۰: ۴۱۳).

۵. نقش جنبش عدم تعهد در تحولات جاری نظام بین المللی

در تائید فرضیه، یکی از مهمترین حوزه‌هایی که نهضت عدم تعهد می‌تواند در آن نقش موثر در نظام بین‌الملل بپردازد، حضور جدی و پررنگ در سازمان ملل متحد می‌باشد. کشورهای عضو نهضت عدم تعهد با داشتن بیشترین کرسی‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل یکی از بزرگترین بلوک‌های سیاسی در این سازمان بین المللی بشمار می‌آیند و به راحتی می‌توانند بر فرآیند تصمیم‌گیری در این نهاد تاثیر بگذارند. حوزه نفوذ و تاثیر جنبش عدم تعهد در سازمان ملل تنها به مجمع عمومی محدود نمی‌شود و شورای امنیت را نیز در برمی‌گیرد. آنتونی پارسونز نماینده اسبق بریتانیا در سازمان ملل بر واقعی و موثر بودن در روند تصمیم

عملکرد جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد و آینده آن

گیری شورای امنیت تاکید دارد و رأی جنبش غیر متعهد در شورای امنیت را به مثابه وتوی ششم می داند(خانی، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

پایان جنگ سرد و پیدایش عصر نوین هرچند به معنای خاتمه اختلافات و منازعات کشورهای جهان سوم نخواهد بود ولی تاثیری شگفت بر روابط آنها خواهد داشت و بدین گونه که پایان رقابت دو ابرقدرت فرصت مناسبی برای این کشورها بوجود آورده است که تا حدودی به صورت مستقل و حتی الامکان جمعی (گروهی) نظام امنیتی مورد نظر خویش را ایجاد کنند. عواملی چون ایجاد اتحادیه‌های قومی و منطقه ای نهادها و تشکل‌های اساسی منطقه ای و استفاده از اهرم سازمان ملل و شورای امنیت، آنگاه که ابزار مداخله ی قدرت‌های بزرگ نباشد. اجرای روش‌های موفقیت آمیز سیاسی حل و فصل اختلافات و به وجود آوردن شرایط شکننده و ملایم تر ... می توانند بعنوان تأمین کننده این هدف منظم بکار آیند(فتاحی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

جهان در سال ۱۹۹۰ با فروپاشی شوروی عملاً از نظم مبتنی بر نظام دوقطبی خارج شد. در واقع یک طرف از جنگ سرد فروپاشید و طبیعتاً در هر جنگی اگر یک طرف از بین برود، طرف مقابل اعلام پیروزی می‌کند. به این ترتیب، ایالات متحده‌ی آمریکا به عنوان رهبر بلوک غرب، خود را پیروز میدان معرفی کرد و از آن زمان تلاش نمود جهانی را مبتنی بر این پیروزی شکل دهد. لذا آمریکا وارد فاز جدیدی شد و تلاش کرد با همکاری کشورهای غربی جهان را به سمت یک نظام تک‌قطبی با محوریت خودش هدایت کند. بر اساس بعضی از نظریات علم سیاست، قدرت به صورت خودکار مقاومت را به دنبال دارد. بر همین اساس، قدرت‌های بزرگ قبلی در کنار قدرت‌های نوظهور در مقابل این یک‌جانبه‌گرایی صف‌آرایی کردند و خواستار نظم چندقطبی شدند. در نتیجه دو اردوگاه شکل گرفت: طرفداران نظم تک‌قطبی و طرفداران نظم چندقطبی(Freedman, 2010: 136-140).

در مجموعه‌ی طرفداران نظم چندقطبی قدرت‌هایی مثل روسیه و چین (با حق وتو) در کنار قدرت‌های نوظهور یا منطقه‌ای مثل هند، برزیل، آفریقای جنوبی و جمهوری اسلامی ایران قرار دارند که این ۴ قدرت نوظهور اعضای برجسته‌ی جنبش عدم تعهد هستند. به عبارت دیگر، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی عملاً تعریف جنبش عدم تعهد تحت تأثیر قرار گرفت. به این ترتیب، با فروپاشی شوروی عملاً تأکید بر استقلال، مبنای عمل در جنبش عدم تعهد قرار می‌گیرد، اما این بار استقلال در مقابل قدرت برتری مطرح است که می‌خواهد جهان را تک‌قطبی تعریف کند. در واقع جنبش عدم تعهد در مقابل قدرت یک‌جانبه‌ی کشورهای غربی

به رهبری آمریکا، نظام چندقطبی را مطرح می‌کند و سعی دارد استقلال کشورهای عضو را در مقابل غرب حفظ نماید (Freedman, 2010: 141-144).

قسمت دیگر بحث در تحلیل میانی از موضوع این است که از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ۳۰ سال می‌گذرد و حدوداً در ۲۰ سال اول ایالات متحده‌ی آمریکا سرمست از این اتفاق، خود را در جهان بی‌رقیب و بی‌بدیل می‌دانست و حاکمیت جهان را تک‌قطبی تصور می‌کرد. لذا در این سال‌ها شاهد نظم تک‌قطبی در جهان بودیم و از دل آن اتفاقاتی مثل حمله به عراق و افغانستان بیرون آمد. در این مدت ابزار بسیار مهمی به نام ناتو هم در اختیار ایالات متحده‌ی آمریکا بود. هرچند ناتو در مقابل ورشو به وجود آمد، اما علی‌رغم فروپاشی ورشو، غرب تلاش می‌کند که کاربری ناتو را تغییر دهد و در آن فضای تک‌قطبی به رهبری ایالات متحده‌ی آمریکا از آن بهره‌برداری کند. به تدریج ایده‌ی نظام چندقطبی، قدرت بیشتری می‌گیرد و ایالات متحده‌ی آمریکا به دلیل تندروری و اقدامات ناشی از سرمستی و غرور، جایگاه خودش را از دست می‌دهد. به این ترتیب، در طول سال‌های اخیر، جهان وارد فضایی چندقطبی می‌شود. جنبش عدم تعهد یکی از تشکل‌های بزرگ طرفدار نظام چندقطبی است که بر این قضیه مؤثر بوده است. از سویی دیگر، بحران مالی غرب و افزایش ضعف آن‌ها نیز بر تقویت تفکر چندقطبی تأثیر می‌گذارد. در این میان ایده‌های مختلفی مطرح است. مثلاً تعدادی طرفدار این هستند که عده‌ی جدیدی از اعضای سازمان ملل به جمع دارندگان حق وتو بپیوندند. در این رابطه کشورهای مثل ژاپن، آفریقای جنوبی و برزیل خودشان را مطرح می‌کنند و حتی مقام معظم رهبری معتقدند باید کشورهای اسلامی هم یک حق وتو داشته باشند. در واقع کشورهای مختلف می‌خواهند به نوعی نظم موجود به نفع بازیگران جدید و قدرت‌های نوظهور و غیرغربی اصلاح شود. حتی گاهی نشست‌هایی با هدف تجدید نظر در ساختار سازمان ملل برگزار می‌شود، به دلیل اینکه ساختار سازمان ملل باید متناسب با جهان چندقطبی شود. همچنین ایده‌ی لزوم حاکمیت عدالت در توزیع قدرت در ساختارهای سازمان ملل مطرح می‌شود (خرم‌شاد، ۱۳۹۱).

۶. ایران، جنبش عدم تعهد و آینده آن

اکنون ترکیب قدرت در جهان تغییر کرده است و اصلاً شباهتی با معادلات قدرت در ابتدای شکل‌گیری جنبش و حتی پایان قرن بیست و نیز دهه اول قرن بیست و یکم ندارد. امروز جهان

در برابر یک پیچ بزرگ تاریخی و گذار به مرحله جدیدی از حیات سیاسی بشر قرار دارد. بیداری اسلامی در منطقه و جنبش ضد سرمایه‌داری در درون جهان کاپیتالیسم یک فرصت عظیم است که جنبش به بازسازی خود براساس اهداف اولیه بپردازد. اگر جنبش بخواهد نزدیک‌ترین راه را برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده انتخاب کند چاره‌ای ندارد جز اینکه از الگوی ایران در برخورداری از استقلال سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیروی کند. اکنون قدرت‌های نوظهوری در جهان پدید آمده‌اند که در مرکز ثقل آن ایران اسلامی قرار دارد. ایران یک کشور تاثیرگذار در منطقه و جهان است. فلسفه این تاثیرگذاری در این است که وامدار هیچ قدرت جهانی نیست و در برابر همه آن‌ها با قدرت ایستادگی کرده است. جنبش عدم تعهد اگر بخواهد به حیات خود ادامه دهد جنبش نباید به سمت سلطه‌گری رود و نه سلطه هیچ قدرتی را بپذیرد این یعنی بازگشت به اهداف اولیه! اگر جنبش در این پیچ تاریخی که در پیش روی آن است پوست اندازی نکند از این گردنه به سلامت عبور نخواهد کرد. شرط این پوست اندازی آن است که کشورهای محور و کلیدی در جنبش از سیاست‌های آمریکا و غرب در جهان فاصله بگیرند و موضع مستقل خود را حفظ کنند. ایران تنها کشوری است که با راهبرد نه شرقی، نه غربی توانسته است از مهلکه ورود به قطب‌بندی‌های تو به تو جهان فاصله بگیرد و حیثیت مستقل خود را حفظ کند. ایران تنها کشوری است که با سیاست نه شرقی، نه غربی با اهداف جنبش همخوانی ذاتی دارد. چرا که ایران مخالف هرگونه سلطه قدرت‌های استعماری در جهان است. انقلاب اسلامی ایران با در افتادن با آمریکا، شوروی سابق و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای عملاً در راه اهداف جنبش عدم تعهد گام برداشته و هزینه‌های گزاف هموار سازی این مسیر خطرناک را پرداخته است. لذا کشورهایی که اکنون می‌خواهند به بلوک ایران بپیوندند نیازی به پرداخت هزینه ندارند. ۱۲۰ عضو جنبش عدم تعهد عملاً بخش عظیمی از جهان را هم به لحاظ جمعیتی و هم به لحاظ اقتصادی و سیاسی تشکیل می‌دهند. اگر یک بازگشت درست و واقعی به آرمان‌های اولیه جنبش صورت گیرد هیچ قدرتی توان ایستادگی در برابر آن را نخواهد داشت. وقتی کشوری مثل ایران به تنهایی می‌تواند با تکیه بر اراده ملت و نبوغ رهبری، هوشمندانه از سد قدرت‌های بزرگ عبور کند و شاهد استقلال را در آغوش کشد، ۱۲۰ کشور قدرتمند عضو عدم تعهد به مراتب اولی با اتحاد و همبستگی، توانایی این کار بزرگ را خواهند داشت.

نوسازی راهبرد جنبش عدم تعهد، سخت نیازمند فلسفه سیاسی امام خمینی(ره) بویژه در بعد سیاست خارجی است. فهم درست این فلسفه، علم مبارزه با قدرت‌های جهانی و حرکت بر مبنای استقلال ملت‌ها و دولت‌هایی است که بخواهند با عزت و کرامت انسانی زندگی کنند. فقط با این نگرش است که می‌توان چشم‌انداز آینده جنبش عدم تعهد را روشن و شفاف دید. (انبارلویی، ۱۳۹۱).

اگر فرآیندهای آینده‌ی جنبش عدم تعهد در راستای ارتقای نقش سازمانی این مجموعه شکل گیرد، طبیعی است که جلوه‌هایی از مشارکت راهبردی جنبش عدم تعهد در بحران‌های منطقه‌ای نیز حاصل می‌گردد. یکی از ضرورت‌های ارتقای نقش سازمانی جنبش عدم تعهد را می‌توان مشارکت در ارتباط با بحران‌های منطقه‌ای دانست. بحران در سوریه، عربستان، یمن، بحرین، افغانستان و عراق صرفاً در شرایطی ترمیم و مدیریت می‌شود که امکان نقش آفرینی نهادهایی همانند جنبش عدم تعهد فراهم گردد. ریاست ایران در جنبش عدم تعهد (۲۰۱۵-۲۰۱۲) توانست زمینه‌های تحقق چنین اهدافی را در ارتباط با امنیت منطقه‌ای و مشارکت سازنده در سیاست بین‌الملل به وجود آورد. یکی از مفاهیمی که در اجلاس‌های تهران مورد توجه قرار گرفت، موضوع مدیریت مشترک جهانی بود. مدیریت مشترک جهانی به عنوان یکی از هدف‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. اگر روند مشارکت جنبش عدم تعهد در بحران‌های منطقه‌ای منجر به ایفای نقش سازنده شود، در آن شرایط نه تنها زمینه‌ی تحقق عدالت و صلح در سطوح فراگیرتری ایجاد می‌گردد، بلکه می‌توان چنین وضعیتی را انعکاس تحقق مدیریت مشترک جهانی در ارتباط با راهبردهای آینده‌ی جنبش عدم تعهد دانست. مفاهیم و شعارهای سیاسی جنبش عدم تعهد در شرایطی می‌تواند به گفتمان بین‌المللی منجر گردد که زمینه‌های تحرک سازمانی جنبش در چارچوب مدیریت مشترک جهانی حاصل گردد (متقی، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

همچنان که ملاحظه گردید نباید این طور تصور کرد که نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی جنبش عدم تعهد کلید صلح جهانی و فراهم‌کننده حل مشکلات کشورهای جهان سوم به ویژه اعضای جنبش عدم تعهد می‌باشد. اعضای جنبش برای مقابله با فشارهای سیاسی و اقتصادی از جانب کشورهای قدرتمند باید در آینده بیش از گذشته به طور هماهنگ و هدفمند

به فعالیت پردازند. چنانچه جنبش عدم تعهد بخواهد نقشی مؤثر در حل مسائل داخلی و بین‌المللی داشته باشد باید یک بازنگری عمیق در ساختار درونی خود انجام دهد. با توجه به تغییراتی که در نظام بین‌المللی ایجاد شده و فضای گفتگو را فراهم نموده است، از شعار و نشست‌های بی‌محتوا و تکرار مکررات بپرهیزد و با وحدت و همگرایی بین اعضاء نقش مثبت و سازنده ایفا نمایند و با رواج گفتمان و ایجاد نهادهای جدید زمینه‌ساز یک مدل سیاست‌ورزی در روابط بین‌الملل باشند. حل اختلاف بین اعضاء، بهره‌برداری از تکنولوژی کشورهای در حال توسعه به شکل یک مجموعه‌ی هماهنگی در تجارت بین کشورهای عضو جنبش به عنوان اصلی‌ترین محورهای مورد نیاز کنونی کشورهای جهان سوم در دستور کار جنبش عدم‌تعهد قرار گیرد و اتخاذ یک دیپلماسی فعال و دسته‌جمعی در سازمان ملل، حضور فعال و قدرتمند در مباحث مرتبط با امنیت جهانی و گسترش همکاری‌ها در جهت وحدت و همگرایی در تمامی ابعاد و به خصوص در دو سطح شمال- جنوب و جنوب- جنوب. همان طوری که اشاره شده کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد با این که ۱۲۰ کشور جهان را شامل می‌شوند، اما از نظر شاخص‌های اقتصادی وضعیت خوبی ندارند و به نوعی یا به غرب وابسته هستند یا به آمریکا که این وضع موجب از هم گسیختگی بین اعضای جنبش گردیده است. در صورتی که این کشورها می‌توانند با بهتر کردن اوضاع اقتصادی خود از آن به عنوان ابزار مکملی در کنار قدرت سیاسی در عرصه بین‌المللی بهره‌مند گردند. این جنبش قبل از این که به یک سازمان تشریفاتی تبدیل شود، می‌تواند با ارائه تعریف مجدد از کارکرد و اهداف سازمانی خود با یک‌جانبه‌گرایی و نظام تک‌قطبی با سیطره و استیلاءجویی آمریکا مبارزه کند و مانع از شکل‌گیری ساختار نظام بین‌الملل بر اساس خواست این کشور شود و ضمن تقویت جایگاه و موضع خود در نظام بین‌الملل بستر لازم را برای شکل‌گیری یک جهان چندقطبی و برخوردار از صلح و ثبات بیشتر فراهم سازد تا اولاً با این کار جلوی یکه‌تازی‌های آمریکا در عرصه بین‌المللی گرفته شود و ثانیاً برای فعال‌تر شدن در سطح جهانی باید نقش اساسی در اصلاح ساختار سازمان ملل متحد را برعهده بگیرند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از فعال‌ترین کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد تنها کشوری است که با راهبرد سیاست «نه شرقی، نه غربی» توانسته هم به اصول جنبش عدم‌تعهد پایدار باشد و هم اینکه به شعار «نه شرقی، نه غربی» که یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی می‌باشد، عمل نماید و از قدرتهای سلطه‌گر فاصله بگیرد.

در پایان به نظر نگارنده کشورهای جنبش عدم تعهد اگر بخواهند به حیات خود ادامه دهند و نقش فعال و سازنده ای در عرصه بین الملل داشته باشند. باید:

۱. باتوجه به این که نیمی از اعضای سازمان ملل متحد را کشورهای عضو جنبش عدم تعهد تشکیل می دهد. این جنبش می تواند فراکسیون بسیار قوی و نیرومندی را در مجمع عمومی سازمان ملل به وجود آورد و از این طریق برانگیزه های اعضای دائمی شورای امنیت تاثیر بگذارد. چنانکه رای اعضای جنبش عدم تعهد به نفع انرژی صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران افکار عمومی جهان را تحت تاثیر قرار داد و شورای امنیت نمی تواند از این مسایل به سادگی عبور کند.

۲. از نظر اقتصادی نبض اقتصاد و مواد اولیه آن و همچنین بازار مصرف تولیدات نظام سرمایه داری در اختیار اعضای جنبش عدم تعهد است. از این منظر نیز جنبش می تواند به طور غیرمستقیم بر تصمیم های سیاسی و یک جانبه مجامع بین المللی که اهداف ویژه ای را دنبال می کنند تاثیر بگذارد.

۳. عرصه بین المللی عرصه کشاکش و تعارض منافع دولت ها است. کشاکش و چالش های بین المللی بحران های گوناگونی را به دنبال دارد. کشورهایی که از نظر سیاسی و اقتصادی نیرومند هستند با کمترین هزینه بحران های یادشده را به خارج از مرزهای خود هدایت می کنند - کشورهای غیرمتعهد بیش از کشورهای دیگر زمینه و بستر مناسبی برای پذیرش افزایش و پویای این بحران ها شده است. اعضای جنبش عدم تعهد اگر به اصول جنبش و آرمان های مشترک آن وفادار باشند می توانند از رشد نمو و انتقال بحران به داخل مرزهای خود جلوگیری کنند و با تشریک مساعی می توانند از ایجاد پدیده های منفوری چون گوانتانامو، ابوغریب و بگرام و... در این کشورها جلوگیری کنند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

جکسون ریچارد، ال. (۱۳۶۴). *غیر متعهدها، سازمان ملل و ابر قدرت ها*، ژنو: ترجمه دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل.

حاجی مینه، رحمت و امینی، انصار (۱۳۹۲). «جنبش عدم تعهد و مفهوم توسعه». *فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی*، شماره ۱۶، پاییز، صص ۱۰۸-۱۲۲.

عملکرد جنبش عدم تعهد بعد از جنگ سرد و آینده آن

خانی، محمدحسن (۱۳۸۵). سازمان‌های بین‌المللی از نظریه تا عمل، تهران: انتشارات دانشگاه امام جعفر صادق (ع).

خرم‌شاد، محمدباقر (۱۳۹۱). «نقش غیر متعهدها در شکل‌دهی (نظم نوین جهانی)»، ۹ شهریور، تهران: پایگاه تبیینی - تحلیلی برهان.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۶۹). توسعه جهان سوم و نظام بین‌المللی، تهران: نشر سفید.

سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۹). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران: نشر سفیر.

عبد الرشیدی، علی اکبر (۱۳۶۵). جنبش عدم تعهد، از آغاز تا سال ۱۹۸۵، تهران: انتشارات سروش.

فتاحی، سید مهدی (۱۳۸۸). «جایگاه جنبش عدم تعهد پس از فروپاشی بلوک شرق»، فصلنامه دانشنامه، شماره ۷۳، پاییز، صص ۱۶۶-۱۴۵.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.

کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۵). «جایگاه جنبش عدم تعهد در نظام بین‌الملل و چالش‌های پیش روی آن»، همشهری دیپلماتیک، ۷ مهر.

متقی، ابراهیم (۱۳۹۱). اهداف راهبردی ایران در اجلاس (NAM)، سایت پایگاه تبیینی برهان.

محلانی، محمدجعفر (۱۳۶۵). «از بلغراد تا حراره»، گزارش سمینار ۵، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۷۸). در تدارک عملیات سرنوشت‌ساز، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

ملکوته، راما و راثو، ناراسیمها (۱۳۶۸). روابط بین‌الملل، ترجمه علی صلح جو، تهران: نشر بنیاد.

موسی زاده، رضا (۱۳۸۸). سازمان‌های بین‌المللی، چاپ چهاردهم، تهران: نشر میزان.

وزارت امور خارجه (۱۳۶۲). «کنفرانس غیرمتعهدها»، شناسنامه سازمان‌های بین‌المللی، جلد (۲)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

ب) منابع انگلیسی

- Chopra, Surendra (1986). "The Emerging Trends in the Non-Aligned Movement", **the Indian Journal of Political Science**, 47(2): pp 161-177.
- Freedman, Lawrence D. (2010). "Review: Frostbitten: Decoding the Cold War, 20 years later". **Foreign Affairs** 89(2): pp 136-144.
- Graham, John A. (1980). **The Non-Aligned Movement after the Havana Summit, 153-160**, New York: Trustees of Columbia University in the City of New York.

- Krishnan, N. (2001). **Non Aligned Movement; Extending Frontiers**, New Delhi: kanishka publishers.
- Larrabee, F. Stephen (1976). "The Soviet Union and the Non-Aligned",
- Mates, Leo (1986). **Variations in East-West Relations and Non-alignment; the Policy and Movement of Non Alignment New Tendencies and Options**, Belgrade and Petrovadin.
- Morphet, Sally (2004). "Multilateralism and the Non-Aligned Movement: what is the Global South Doing and where is it going?" **Global Governance 10**: pp 517-537.
- NAM (1992). **Tenth Conference of Heads of State or Government of Non-Aligned Countries**, Jakarta, Indonesia, 1-6 September, NAC 10/Doc.1/Rev.2 (6 September 1992), Annex to A/47/675 and S/24816, General Assembly and Security Council, 18 November 1992.
- NAM (1998). **Twelfth Conference of Heads of State or Government of Non-Aligned Countries**, Durban, South Africa, 2-3 September, Basic Documents.
- NAM (2003). **Thirteenth Conference of Heads of State or Government of Non-Aligned Countries**, Kuala Lumpur, Malaysia, 24-25 February, Final Document (Annex I) A/57/759 and S/2003/332, General Assembly and Security Council.
- NAM (2006). **Fourteenth Conference of Heads of State or Government of Non-Aligned Countries**, Havana, Cuba, 11-16 September, Final Document, NAM 2006/Doc.1/Rev.3.
- NAM (2009). **Fifteenth Conference of Heads of State or Government of Non-Aligned Countries**, Sharm el-Sheikh, Egypt, 11-16 July, Final Document, NAM 2009/FD/Doc.1.
- NAM (2012). **Sixteenth Conference of Heads of State or Government of Non-Aligned Countries**, Tehran, Islamic Republic of Iran, 26-31 August, Final Document, NAM 2012/Doc.1/Rev.2.
- Prashad, Vijay (2007). **The Darker Nations: A People's History of the Third World**. New York: New Press.
- Prashad, Vijay (2012). **The Poor Nations: A Possible History of the Global South**, London: Verso Publishers.
- Shanon, Philip (1992). "Non-Aligned Movement Decides it is Still Relevant", **The New York Times**.
- The World Today**, Vol. 32, No. 12, pp. 467-475
- Willetts Peter (1981). **The Ideological Debate on the Natural Allies; the Non-aligned in Havana**, City University, London.
- Willetts, Peter (1978). **The Non-Aligned Movement: The Origins of a Third World Alliance**, New York; London: F. Pinter.